

ضرورت شفافیت مقررات جزایی



شاہپور اسماعیلیان
وکیل دادگستری

- یکی از ویژگی‌های مقررات جزایی متناسب به‌خصوص در تعیین مصداق‌های مجرمانه و مجازات‌ها صراحت، سادگی و اجتناب از برداشت‌های سلیقه‌ای قضات و قوه‌قانون است. همین‌طور برپریز و کارکردن از هوا و عبارت «کتی‌دار»، قابل تفاسیر مختلف، موجب سردرگمی قضات و اختلاف در برداشت‌ها می‌شود که بی‌تردید از معایب اینگونه مقررات است. فزون بر این، تقسیم‌بندی‌های گوناگون، پرکنده‌گویی، پرداختن به ریزکاری‌های غیرضروری و جدال‌پندی‌های طولانی (مانند درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری به هشت درجه) و عدم رعایت عناوین و سرفصل‌ها یا مواد مربوطه اغلب موجب دشواری یادگیری اینگونه قوانین و کاربرد عملی آنها می‌شود. قانون جدید مجازات اسلامی که بالطبع نسبت به مقررات سابق بر خود، رجحان و برتری دارد اما در تدوین و نگارش متون قانونی، دارای پرکنندگی، تفصیل بیش از ضرورت و ابهامات قابل توجهی است که با وجود برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و گذشت حدود ۴ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن، در قسمت کلیات، دشواری‌هایی را برای دست‌اندرکاران قضات ایجاد کرده است. مشکل دیگر این است که با وجود صراحت فصولی از قانون به اینکه اجرای آنها برپسوند از تصویب این‌نامه مربوطه ظرف مهلت معین (مثلاً سه‌ماه) ممکن خواهد بود، باوجود سری‌شدن مهلت‌ها؛ وضع این‌نامه خیر نیست.

مهلت‌ها از وضع آیین‌نامه خبری نیست!

حاصل کلی جزیی مشروط است که بر اساس قواعد قانون مسوولیت را از بین نمی برد، هرچند این قاعده کلی بر اساس مفرد ماده ۱۵۵ قانون جدید تا حدودی استثناء دارد. بر قاعده (قانون) معلوم از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل شریعتا غیر منسوب می شود، اما در حالی که کارگاهی کارشناسان حقوق جزایی در ادراک با تفسیر قانون با مشکل مواجهند، از ادعای تعدی تصمیمگرفته غیرحقوقان چگونه می توانند در حد متوسط از مغایرت جزیایی که درباره آنها قابلیت اجرا دارد اکتفا لازم داشته باشند؟

اعتراف به جنایت در پی رابطه غیر اخلاقی

متهم در حالی بر گناهکاری خود اصرار دارد که جنازه مقتول کشف نشده است

تصمیم گرفتیم داوود را بکشیم. داوود سال‌ها در آمریکا زندگی کرده بود و به جرم قاچاق اسلحه از این کشور اخراج شده بود. داوود از همسر و فرزندانش جدا شد و به ایران آمد. سال‌ها بود که خانواده‌اش را نمی‌شناختم. او خودش هم بعد از بازگشتش به کشور آشنا نشد. رفت‌وآمد ما خیلی زیاد بود از طریق خواهر داوود به نام میترا شنیده بودم او مشکلات اخلاقی دارد اما فکر نمی‌کردم با همسر چنین رفتاری کند تا اینکه یک‌روز به خانه آمدم و دیدم همسرم مریض شده و او را به بیمارستان برده‌اند خیلی گریه می‌کرد. او را پرسیدم چه شده استند گفت داوود به من تجاوز کرده بود. با خودم کلنجار رفتم تا داوود را بکشیم چندباری هم برای قتل او نقشه کشیدیم اما نشد. سال‌ها از این موضوع گذشت و من در قلب خودم را داوود می‌دیدم. در این مدت با هم ارتباط داشتیم تا اینکه داوود به من گفتم که مرا آزاد بگذارم. او می‌خواست که خواهر آن زن به من کمی پول سپرده بود تا با آن کار کنم و سودش را بدهم. آن روز داوود آمد و گفت پول خواهرت را بده. من هم قبول کردم. بعد با هم در یکی از اتاق‌های کارگاه که وسایل شکار در آنجا نگه می‌داشتم مشروب خریدیم. او سپس دستلی از جیبش درآورد و به من گفت این هم به تو هست بده. خیلی عصبانی شدم. او هنوز هم به

زن من فکر می‌کرد تبر از روی دیوار برداشتم و یک ضربه به سرش زدم بعد هم با تفنگ شکاری تیری به پشتش زدم.

متهم گفت: داود خیلی سنگین بود نمی‌توانستم او را حرکت بدهم. جسد را با زحمت داخل چادر برنزی گذاشتم و با الابر که وسیله کارم بود بالا کشیدم و پشت توانت گذاشتم و به جایی بردم که زباله‌ها را می‌ریختند آنجا جسد را آتش زدم و بعد هم که زباله‌های دیگر رویش آمد.

او درباره رابطه‌اش با خواهر مقتول گفت: می‌تربا من می‌پشنهاد دادا با هم رابطه داشته باشیم من هم دوستش داشتم البته به او گفته بودم همسر دارم نمی‌توانم او را طلاق بدهم. حتی به او گفتم تو ازدواج کن و بعد از اینکه جدا شدی تو را به صورت صغایلی تقد می‌کنم تا زرم نفعدهم. من باطعام را با او انکار نمی‌کنم.

در ادامه قضات متهم را به جاییگاه فراخواندند تا درباره ادعای شوهرش از او تحقیق کنند. این زن گفت: «من با میتر دوست بودم. با داود هم از طریق او آشنا شدم. یک روز با میتر به پیاده‌روی رفتیم و وقتی بخرویشتم می‌پشنهاد داد صحنه را باهم و خانه‌اشی را به همراه جواب دادم چون مادر و برادر در خانه هستند به آنجا نمی‌آیم اما او گفت داود نیست من هم رفتم.

در اتاق منتظر بودم تا میترا با سینی صبحانه بیاید که یکدفعه داوود با چای وارد شد. با تعجب پرسیدم تو چرا خانه هستی؟ جواب داد داوود که میترا گفتم بگوید من خانه نیستم. او را شوهرم بگوی که رفت و گفت تو جوان هستی و وقتی شوهرت خیالت می‌کند تو هم این کار را انجام بده از حرف‌هایش خوشم نیامد و بلند شدم بروم. اما او عذرخواهی کرد و با اصرار خواست چای را بخورم. به محض اینکه چای را خوردم رخت شدم و دیگر نترسیدم کاری بکنم و او به من تجاوز کرد. بعد از خانه خارج شدم متوجه حالم بود که به بیمارستان رفته و براجم من افتاده است. «من شوهرم گفتم»

این زن ادامه داد: «مدتی بعد متوجه شدم میترا با شوهرم رابطه دارد. شوهرم بعد از آن ماجرا خیلی با من درگیر می‌شد و کتکم هم می‌زد اما به خاطر بچه‌هایم تحمل و سعی کردم این‌چیز را نپنهمد. فشارهای ناشی از این موضوع باعث شد به بیماری‌های مختلفی مبتلا شوم»

همسر متهم گفت: «به نظر من داوود زنده است و شوهر من قاتل نیست. داوود قبلاً گفته بود دنبال پول کلانی می‌گردد و احتمال دارد به خارج از کشور رفته باشد.»

بنا بر این گزارش قضات بعد از پایان جلسه دادگاه برای تصمیم‌گیری در این خصوص وارد شور شدند.

تایید حکم قصاص چشم، لاله‌گوش و بینی جوان اسیدپاش

کنکدنن مرا شروع کرد. او مدتی بعد مرتکب جرم شد و به زندان افتاد. در این فرصت ارتباط را با او قطع کردم. یکسال گذشت و من با پسر دیگری آشنا شدم و قصد داشتیم ازدواج کنیم اما جمشید از زندان بیرون آمد و از من خواست دوباره با هم ارتباط داشته باشیم. قبول نکردم تا اینکه اولین روز فروردین ۹۱ از من خواست به دیدنش بروم و برای آخرین بار همدیگر را ببینیم. او رویم اسید پاشید و باعث کوری من شد. حالا هم درخواست قصاص دارم.

جمشید نیز وقتی در جایگاه حاضر شد اتهامش را قبول کرد اما مدعی شد قصد کور کردن شیرین را نداشت و چون شیرین به او خیانت کرد دست به چنین کاری زد تا تنبیهش کند. قضات شعبه ۷۱ بعد از پایان جلسه رسیدگی متهم را به قصاص یک چشم، گوش و بینی محکوم کردند. سپس شیرین با ارسال نامه‌ای به شورای شهر و وزارت بهداشت درخواست کمک کرد و یکی از اعضای شورا با اعتراضات درمان شیرین را تقبل کرد و روند درمان او آغاز شد. از سوی دیگر با اعتراضات جمشید به بی‌دعایلی کم‌شمار و بعد از بررسی سرانجام توسط شعبه ۳۱ دیوان مورد تأیید قرار گرفت.



بعد از برقراری رابطه با جمشید متوجه شدم او مشکلات اخلاقی زیادی دارد. تصمیم گرفتم به این رابطه پایان بدهم. همان موقع بود که جمشید

رَق: حکم قصاص چشم، لاله گوش راست و بینی جوانی که روی
نرمورد علاقه اش اسید پاشیده و او را کور کرده بود در دیوانعالی
تایید شد.

که هزارش خیرنگار ما، این جوان که جمشید نام دارد در اولین روز سال
نشته با پاشیدن اسید روی شیرین - دختر مورعافقانی - او را اسوداند
و آوری شد. یکسال بعد وقتی که جمشید با داشت شد به اسیدپاشی
کرد و گفت: قصد کور کردن شیرین را ندارم فقط می خواست او را
سودانده برونه داند. صورت کور شد شیرین علیه جمشید ۷۱ شعبه ۱۴ دادگاه
را استان تهران رفت و سرا نجویی و حسن آقاخانی و کالت شیرین را
پده گرفتند. به این ترتیب قضات شعبه ۷۱ جلسه محاکمه را تشکیل
دند در این جلسه بعد از اینکه نماینده دادستان تهران کیفرخواست علیه
م را خواند، شیرین به عنوان شاکی برونه پشت تریبون قرار گرفت. او
ن: من و جمشید با هم دوست بودیم، تنهایی زیاد مرا به سمت جمشید
شد. پدر و مادر ما هم جدا شدند و پدری من به دلالی در خانه
و مادر هم ازدواج کرده بود من با برادران می می کردم. می

سارقان حرفه‌ای خودرو به دام افتادند

شدند کارآگاهان در ادامه پی بردند اعضای این باند علاوه بر سرت‌های خودرو که مالکانشان آنها را به‌صورت روشن رها کرده بودند، چندین فقره از زردی‌های خود را به شیوه زورگیری و با ضرب و جرح مالباختگان انجام دادند.

در همین حال یکی از شاکیان که سارقان موفق به دزدی از او نشده بودند، کارآگاهان گفت: برای بازگشتن وسایل از صندلی عقب خودرو توقف کرده بودم که ناگهان چند نفر با چاقو و قمه به سستم حمله کردند و در حالی که مرا با چاقو مزاحم کرده بودند، قصد سرقت ماشین را داشتند که تعدادی از شهروندان پس از اطلاع از موضوع با آنها درگیر و مانع از سرقت خودرو شدند. سارقان نیز با مشاهده جمعیت مجبور به فرار شدند، در هنگام میزگی، رئیس پایگاه مستقیم پیگیری آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: با توجه به اعتراف صریح متهمان به ده‌ها فقره سرقت انواع خودروهای پژو پارس، پراید، سمند، پژو ۴۰۵، لیفان و... احتمال ارتکاب سرقت‌های مشابه مجوز انتشار تصاویر متهمان توسط مقام قضایی صادر شده است و شکایت و مالباختگانی که پیگیری به شناسایی تصاویر متهمان شده‌اند می‌توانند برای موقوفه بر شکایات خود به این پایگاه واقع در میدان حر مراجعه کنند.

شوق: اعضای باند سارقان خودرو بعد از دستگیری به دهدها فقره سرقت اعتراف کردند. به گزارش خبرنگار ما، مأموران کلاکتری لوپور چندی قبل حین گشت‌زنی، به سرنشینین خودرو لیفان مشکوک شدند و فهمیدند این خودرو یک روز قبل به سرقت رفته است. مأموران بلافاصله لیفان را متوقف و سرنشینین آن را دستگیر کردند. مالک لیفان پس از اطلاع از کشف خودرواش به پایگاه هشتم پلیس آگاهی رف و گفت: الحظای از خودروم پیاده شدم تا کاری را انجام بدهم ماشین این زمان روشن بود و سرقت و در همین فرصت کوتاه انجام شد. متهم ۲۵ساله به نام «عباس» در بازجویی ضمن اعتراف به مشارکت در سرقت خودرو، همدست خود به نام «علی» را به عنوان سارق اصلی معرفی کرد و گفت: «سوار بر پراید می‌فیدرنگ در حال پرسرزدن در خیابان‌ها بودیم که دیدیم راننده لیفان بدون خلوص کردن آن پیاده شد و به سمت صندوق عقب رفت. علی بلافاصله از پراید پیاده شد و لیفان را سرقت کرد.» عباس به دهدها فقره سرقت خودرو به شیوه مشابه اعتراف کرد. به این ترتیب تعدادی دیگر از مالیکان خودرو شناسایی شدند. متهم دوم در ادامه رسیدگی به پرونده به دام افتاد و مرد دیگری که از اعضای این باند بودند دستگیر

پنج قاره

بن مرده در مراسم تدفین

- **بی بی سی:** مرد مرده آمریکایی هنگام آراسم کفن و دفن خود زنده شد. هنگامی که کارکنان موسسه کفن و دفن در ایالت می سی سی پی آمریکا مشغول آماده کردن جسد مردی برای برگزاری مراسم تدفین او بودند، متوجه شدند این فرد زنده است و در کیسه جسد حیات پیدا کرده است. به آن لگد می زد، شب قبل از آن، پزشکی که بر بالین این مرد ۷۸ ساله حاضر شده تشخیص داده بود ضریان نبض او قطع شده و مرده است. پزشکی که مرگ این فرد را اعلام کرد، گفت پرستار آسایشگاه به او گفته بود این مرد مرده و او پس از انجام معاینه های معمول، علایم حیاتی او مشاهده کرده بود.

گور دسته جمعی در باغچه خانگی

- **فرانس پرس:** پلیس سریلانکا از کشف بقایای ۹ جسد دفن شده در باغچه خانه‌ای مسکونی در نواحی شمالی این کشور خبر داد. سخنگوی پلیس محلی سریلانکا گفت: اهالی این خانه روز جمعه در حال مرتب کردن باغچه‌شان بودند که به‌وجود این اجساد پی بردند. روانا افزود: تاکنون بقایای اجساد ۹ نفر کشف و برای بررسی‌های بیشتر به پزشکی قانونی فرستاده شده است.

حبس ابد برای قاتل سریالی

- **ایرنا:** قاتل زنجیره‌ای زن که مردان را به قتل می‌رساند، در انگلیس به حبس ابد محکوم شد. «جوان دهنی» ۳۱ ساله متهم است حدود یک‌سال پیش سه‌مرد

نجات ۷ کارگر از میان دود و آتش

- **شرق:** آتش‌سوزی کارگاه تولیدی کیف و کفش در باغ سپهسالار توسط آتش‌نشانان خاموش شد. هفت کارگر نجات یافتند. آتش‌نشانان ساعت ۱۰:۴۵ صبح دیروز در پی اطلاع از این حریق به محل حادثه اعزام شدند. حسن علمداریانی، معاون منطقه ۴ آتش‌نشانان که ابتدا در محل حادثه حضور داشت در پی‌نبار هفت گفت: محل حادثه ساختمان پنج‌طبقه اداری و طبقات و راهروها ملو از کالا بود. وی افزود: پس از بررسی‌های بیشتر معلوم شد منبع آتش‌سوزی به دلیل لوازم تولیدی کفشی در طبقه سوم است که به سبیل از مواد تولید کفش، چسب و تینر بود. در پی میان شعله‌های آتش با سرعت گسترش یافته و به انتهای راهروی این طبقه نیز سرایت کرده بود. معاون منطقه ۴ عملیات خاطرنشان کرد: هفت نفر کارگران در طبقات مختلف در دود و شعله‌های ناشی از آتش‌سوزی گرفتار شده بودند که آتش‌نشانان با آنها را با استفاده از نردبان به سلامت از پنجره‌های آتش‌نشانان بیرون هدایت کردند. وی گفت: گروهی دیگر از آتش‌نشانان آتش‌سوزی را در مدت زمان کوتاهی مهار و خاموش کردند. در همین حال اعضای خانواده‌ای روز جمعه از حریق خانه‌شان نجات پیدا کردند. سیدجلال مکاره، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این باره، به اعلام حریق در منزل مسکونی در ساعت ۱۷:۱۲ صبح آتش‌نشانان را به محل حادثه واقع در خیابانی‌آبادنو اعزام کردند. وی افزود: پس از حضور آتش‌نشانان در محل مشاهده شد حریق در طبقه دوم ساختمان پنج‌طبقه مسکونی رخ داده و چهار نفر از اعضای خانواده شامل زوج جوان به‌همراه دو فرزندشان در میان شعله‌های شعله‌ور محبوس شده‌اند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران ادامه داد: آتش‌نشانان پس از فرار محبوس‌شدگان از حریق را خاموش کردند.

دستگیری قاتل فراری

- **فارس:** فرمانده انتظامی استان بوشهر از شناسایی و دستگیری فردی که پس از قتل پسر عموی خود متورای اشعه بود خبر داد. حیدر عباس‌زاده اظهار کرد: متورای اشعه پسر عموی یک کشاورز روستای «مهنجری» از توابع شهرستان گناوه بین دو برادر بر سر طمع، مبنی اختلاف و درگیری بالا گرفت و طرفین عوایا با اطلاع‌دادن ماجرا به فرزندان خود ضمن تشدید امنه اختلافات موجب درگیری‌های مسلحانه بین پسرعموها شدند. وی افزود: بر اثر اثر اینادارت طرفین دو برادر پناهگاهی فریبوت و فریبیز مورد اصابت گلوله قرار گرفتند که فریبوت قتل و فریبیز زخمی شد. این ماجرا منجر شد فرمانده انتظامی استان بوشهر تصریح کرد: ضاربان که دو برادر بودند متورای شدند و زندگی مخفیانه را آغاز کردند اما اقدامات و طرح‌های اطلاعاتی و امنیتی پلیس موجب شناسایی مخفیگاه متهم اصلی در یکی از روستاهای شهرستان شدنی شد و وی پس از دستگیری به قتل بردهن اعتراف کرد.

ات ۳ کوهنورد از ارتفاعات توچال

- **شرق:** سه کوهنوردی که در تاریکی شب در ارتفاعات توجال مفقود شده بودند نجات پیدا کردند. گروه امداد و نجات هشتاد و پنج تن را به سلامت به پایگاه اعلام اینکه در ارتفاعات توجال گرم گاه، به سویه‌ها دست به کار شد. سرای، فرمانده گروه امداد و نجات کوهستان در این باره اظهار کرد: با توجه به تاریکی هوا و عدم اطلاع از محل دقیق گرفتارشدگان، نشت‌نشانان به سمت ایستگاه ۴ حرکت کردند و با همراهی‌های مکرری که با این سه جوان داشتند، موفق شدند آن‌ها را در یک ساعت جست‌وجو و در سرمای شدید به سویه جان ۳۲ ساله را پیدا کنند. وی افزود: نشت‌نشانان ابتدا به سویه مایعات و آبسه گرم که همراه داشتند، پس به جوان را که از ناحیه دست، پا و صورت دچار سرمازدگی شده بودند گرم کردند. فرمانده بجایگان خاطرنشان کرد: نشت‌نشان در نهایت پس از ۱۰ ساعت تلاش مصومان را به ایستگاه توجال رساندند و سپس به سویه تله کابین به پایین فرستادند.

سرقت از زنان با تصادف ساختگی

- **شرق:** مردی که با تصادف ساختگی از زنان زورگیری می کرد، دستگیر شد. زنی جوان چند روز قبل طی شکایتی به مأموران کلانتری کن گفت هنگام تردد در بازار ماهرانگاه خودرویی جلو او پیچید و با اهرم تصادف کردند اما وقتی او خودرو پیاده شد از راننده با ضرب و جرح از وی زورگیری کرد. بلافاصله متواری شد. شاکي شماره پلاك خودرو را دادداشت كرده بود و مأموران با گرفتن این اطلاعات به پیگیری موضوع پرداختند و حین گشت‌زنی موفق شدند متهم را بازداشت کنند. خبر به جرایم خودشیفته در ایران تصادف ساختگی با شهروندان خصوصا زنان ابعاد و سرعت و زورگیری از آنها اعتراف را

پایان فرار قاتلان مسلح

- **ایسنا:** فرمانده انتظامی شهرستان غیر آباد گفته: اتان مسلح فراری بعد از کمتر از ۴۸ ساعت فرار دستگیر شدند. سرهنگ محمد پیدیشکی توضیح داد: تیمی برای نجات ستر کشین موتوسیکلت و اسباب گلوله به یکی از اهالی دستگیری قاتل در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی تاکید کرد قاتل دو هومدست ظرف ۴۸ ساعت دستگیر شدند پیدیشکی در پایان خاطرنشان کرد: تحقیقات پلیس از سه متهم دستگیرشده برای شناسایی علت و انگیزه وقوع قتل ادامه دارد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

ለለ193979-ለለ19.461